

The Basics of Discovery and Disclosure in Civil Procedure of Iran and America

Mohammad Bagheri ¹, Siroos Heidari, ^{2*}, Mohammad Emami ³,Hojjat Mobayen ⁴

1 .PhD student, Department of Private Law, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2 .Assistant Professor, Department of Private and Islamic Law, Shiraz University, Shiraz, Iran: (corresponding author).

3 .Professor, Public and International Law Department, Shiraz University, Shiraz, Iran.

4 .Assistant Professor, Department of Private and Islamic Law, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 639-658

Article history:

Received: 30 May 2022

Edition: 10 Jul 2022

Accepted: 6 Mar 2023

Published online: 18 Mar 2023

Keywords:

Disclosure, Discovery, Good Faith, Fair Trial, Discovery of Truth.

corresponding author:

Siroos Heidari,

Address:

Iran, Shiraz, Shiraz University,
Department of Private and Islamic
Law.

Orchid Code:

0000-0002-7480-8948

Tel:

09177092060

Email:

Heidaris@shirazu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of this research is to on what basis the other party or a third party may be required to provide evidence in favor of another. Concerns about discovering the truth and the need to observe good faith in proceedings require that litigants and even third parties be required to provide evidence in favor of another.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: In order to be successful in litigation, it is necessary to identify and prove the relevant issues; That's why the ways to access evidence are so important. The mechanism of discovery and disclosure may be effective in proving the subject matter;

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: The research results show that either party to the dispute may request the disclosure of documents and any other evidences related to the dispute from the other party or third parties, while in litigation it is the responsibility of the litigants to propose relevant facts and the claimant is responsible for proving these matters.

Keywords: Disclosure, Discovery, Good Faith, Fair Trial, Discovery of Truth.

Cite this article as:

Bagheri M, Heidari S, Emami M, Mobin H. *The Basics of Discovery and Disclosure in Civil Procedure of Iran and America. Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

مبانی تکلیف به افشای دلیل در دادرسی مدنی ایران و آمریکا

محمد باقری^۱، سیروس حیدری^{۲*}، محمد امامی^۳، حجت مبین^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استاد گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر این است که بر مبنای چه مصلحتی می‌توان طرف مقابل یا شخص ثالث را به ارائه دلیل به نفع دیگری ملزم کرد. دغدغه کشف حقیقت و لزوم رعایت حسن نیت در دادرسی ایجاد می‌کند که طرف دعوا و حتی اشخاص ثالث ملزم به ارائه دلیل به نفع دیگری شوند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری است روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: به منظور موفقیت در دعوا لازم است امور موضوعی مرتبط با آن شناسایی و اثبات شود؛ به همین دلیل راه‌های دست‌یابی به ادله اهمیت زیادی دارد. مکانیسم افشای دلیل می‌تواند در اثبات امور موضوعی راه‌گشا باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از طرفین دعوا می‌توانند ارائه اسناد، مدارک و سایر ادله مربوط به دعوا را از طرف مقابل یا اشخاص ثالث درخواست کنند. در حالی که در دادرسی ارائه امور موضوعی به‌عهده اصحاب دعواست و اثبات این امور نیز علی‌القاعده بر عهده مدعی است.

واژگان کلیدی: افشای دلیل، ابراز دلیل، حسن نیت، دادرسی منصفانه، کشف حقیقت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۳۹-۶۵۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

واژگان کلیدی:

افشای دلیل، ابراز دلیل، حسن نیت، دادرسی منصفانه، کشف حقیقت.

نویسنده مسئول:

سیروس حیدری

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه شیراز، گروه حقوق خصوصی و اسلامی.

کد ارکید:

0000-0002-7480-8948

تلفن:

۰۹۱۷۷۰۹۲۰۶۰

پست الکترونیک:

Heidaris@shirazu.ac.ir

۱. مقدمه

در گذشته طرفین دعوا برای تأمین و حفظ ادله به- منظور ارائه در فرآیند دادرسی راه‌های محدودی در اختیار داشتند. قانون آن‌ها را در ارائه ادله آزاد نمی‌گذاشت و راه‌های گسترده‌ای برای اجبار رقیب به منظور ارائه ادله‌ای که تحت مالکیت یا تصرفش بود، وجود نداشت. سپس فرآیندی زیر عنوان «افشای دلیل» در برخی قوانین پیش‌بینی شد. بدین معنا که هر یک از طرفین می‌تواند از طرف دیگر یا شخص ثالث بخواهد ادله‌ای را که در اختیار دارد به نفع وی ارائه دهد (اوکلی، ۲۰۰۹، ۵۲۴).

در واقع ارائه جهات موضوعی و اثبات آن بر عهده مدعی است و این موضوع در بسیاری از سیستم‌های حقوقی با تعابیر مختلف پذیرفته شده است. همانند آنچه با عنوان قاعده «البینه علی المدعی» در فقه یا قاعده «بار اثبات ادعا» در کامن‌لا شناخته می‌شود. با وجود این، در برخی موارد شخص به دلیلی استناد می‌کند که در اختیار رقیب یا شخص ثالث است، در این صورت نام‌برندگان به موجب قانون مکلف به ارائه دلیل خواهند بود؛ مگر اینکه به ضرر ایشان باشد.

در برخی نظام‌های حقوقی همانند ایالات متحده آمریکا فرآیند افشای دلیل به صراحت در قوانین پیش‌بینی شده است. کشور آمریکا از کشورهای اصلی و مهم تابع نظام کامن‌لا است که مقررات و رویه قضایی آن در خصوص افشای دلیل به‌روز، دقیق و گسترده است. می‌توان گفت در این زمینه آمریکا دارای پیش‌روترین قانون و رویه قضایی است و افشای دلیل در این کشور از طریق دو منبع مقررات آئین دادرسی مدنی و رویه قضایی هدایت می‌شود (مولودی، ۱۳۹۴، ۱۴۷). بخش پنجم و ششم قانون فدرال آئین دادرسی مدنی آمریکا (مواد ۲۶ تا

۳۷) با عنوان Discovery and Disclosure

موضوع مذکور را بررسی کرده است.

در قانون آئین دادرسی مدنی ایران برخلاف آئین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، مسئله افشای دلیل به- صراحت نیامده است و باب مستقلی به این مبحث اختصاص داده نشده است. تنها به صورت موردی می‌توان مصادیقی از تکلیف به همکاری برای افشای دلیل را ملاحظه کرد. برای مثال، ماده ۲۰۹ قانون مذکور در فرضی که طرف دعوا به وجود سند مورد استناد طرف مقابل در نزد خویش اعتراف کرده است و از ابراز سند مزبور خودداری کرده است، امتناع از ابراز سند را در زمره قرائن مثبت اظهار طرف مقابل تلقی کرده است. ماده ۲۱۰ همان قانون نتیجه مشابهی بر امتناع تاجر از ابراز دفاتر تجاری خویش بدون عذر موجه بار کرده است. طبق ماده اخیر، چنانچه یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، دفاتر نام‌برده باید در دادگاه ارائه شوند و هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز یا ارائه دفاتر خود امتناع کند. در صورت امتناع، دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائن مثبت اظهار طرف قرار دهد. ماده ۲۱۲ تکلیف به ارائه اسناد و اطلاعات مربوط به دعوا را بر عهده اشخاص ثالث (صرفاً اشخاص حقوقی حقوق عمومی) قرار داده است و برای تخلف از الزام مذکور ضمانت اجرای انفصال موقت از خدمات دولتی را مقرر کرده است. حتی در جای دیگر، مکتوم ماندن اسناد و مدارک و کشف و ابراز بعدی دلایل مزبور از جهات اعاده دادرسی شمرده شده است (بند ۷ ماده ۴۲۶).

در واقع، می‌باید به این سوال پاسخ گفت که موضع مقررات آئین دادرسی مدنی ایران در خصوص افشای

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به‌منظور موفقیت در دعوا لازم است امور موضوعی مرتبط با آن شناسایی و اثبات شود. به همین دلیل راه‌های دستیابی به ادله اهمیت زیادی دارد. مکانیسم افشای دلیل می‌تواند در اثبات امور موضوعی راه‌گشا باشد. هر یک از طرفین نیز دعوا می‌توانند ارائه اسناد، مدارک و سایر ادله مربوط به دعوا را از طرف مقابل یا اشخاص ثالث درخواست کنند؛ درحالی‌که در دادرسی ارائه امور موضوعی به عهده اصحاب دعواست و اثبات این امور نیز بر عهده مدعی است.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم افشای دلیل

در این قسمت درصدد بررسی مفهوم افشای دلیل هستیم و با توجه به اینکه در حقوق ایران تأسیس مذکور به صراحت پیش‌بینی نشده است و ادبیات حقوقی چندانی در این زمینه وجود ندارد. بنابراین برای تبیین بهتر موضوع نخست باید به معادل آن در زبان انگلیسی بررسی شود:

افشای دلیل معادل واژه *Discovery* در زبان انگلیسی است. در فرهنگ حقوقی *Black* واژه مذکور این‌گونه معنا شده است:

۱. اقدام یا فرآیند کشف و یا دانستن چیزی که قبلاً ناشناخته بوده است که بعد از ثبت مخترع می‌تواند درخواست ثبت کند.

۲. افشای اجباری بر مبنای درخواست یکی از طرفین درباره اطلاعاتی که مرتبط با دعوا هستند؛ مانند مواد ۲۶ تا ۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال (گارنر، ۲۰۰۰، ۵۵۹).

دلیل چیست و آیا همانند دادرسی مدنی آمریکا می‌توان از مکانیسم مذکور برای اثبات ادعا بهره جست؟ به‌علاوه، مبنای الزام شخص به ارائه دلیل به نفع دیگری چیست؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش‌های فوق می‌توان مطرح کرد این است که هرچند می‌توان اجمالاً تکلیف به افشای دلیل را از آن‌ها استنباط کرد؛ ولی از حیث نحوه افشای دلیل و ضمانت اجرای قابل اعمال در فرض عدم همکاری در افشای دلیل، ابزارهای کافی در قانون آئین دادرسی مدنی ایران وجود ندارد و سازوکار قانونی آن ناقص و نارسا است. به همین منظور، ابتدا مفهوم افشای دلیل و سپس، مبانی افشای دلیل و نظریات مرتبط با آن را بررسی خواهیم کرد تا وجود یا فقدان مبانی فرآیند افشای دلیل در دادرسی مدنی ایران تبیین شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌های تحقیق

«شخص ثالث» را هم در بر می‌گیرد و وی ملزم به ارائه دلیل به نفع یکی از طرفین می‌شود.

در تعریف دیگری آمده است: «افشای دلیل مرحله پیش از محاکمه است که به موجب آن یکی از طرفین اطلاعات خاصی را برای دیگری فراهم می‌کند» (بیوان، ۲۰۰۸، ۲۳۰). ایراد تعریف مذکور همانند مورد قبل نداشتن جامعیت است. بدین معنا که تنها طرفین دعوا را ملزم به افشای دلیل دانسته است؛ در حالی که تکلیف مذکور گاه بر اشخاص ثالث نیز بار می‌شود. منظور از مرحله پیش‌محاکمه مقطعی از دادرسی است که به موجب آن جلسه‌ای بین طرفین دعوا و قاضی تشکیل می‌شود و هدف از آن شناسایی مسائل حقوقی مورد اختلاف و تعیین امور غیر اختلافی و مسلم و به‌طور کلی تشویق طرفین برای حل و فصل موضوع از طریق صلح و سازش است که این امر در ماده ۱۶ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال پیش‌بینی است (بیوان، ۲۰۰۸، ۲۳۰).

ا دقت نظر در تعاریف مذکور و با لحاظ نقایص موجود در هر یک، تعریف زیر را برای افشای دلیل پیشنهاد می‌کنیم:

افشای دلیل فرآیندی است که به موجب آن به درخواست یکی از طرفین دعوا، طرف مقابل یا شخص ثالث ملزم می‌شود ادله و اطلاعات مرتبط با دعوا را که در مالکیت، تصرف یا کنترل خویش دارد، به نفع متقاضی ارائه دهد.

در مرحله افشای دلیل اساساً هر دو طرف می‌توانند همه چیز را درباره پرونده قبل از مراجعه به دادگاه بدانند. هر دو طرف می‌توانند از طریق تبادل اطلاعات از شهود سؤال بپرسند و یا ارائه اسناد و مدارکی را درخواست کنند که طرف مقابل در صدد استفاده از آنهاست. دلیل این موضوع این است که دیدگاه

آنچه مد نظر بوده است و ارتباط بیشتری با بحث حاضر دارد معنای دوم است که به دو جنبه مهم افشای دلیل یعنی درخواست یکی از طرفین دعوا و مرتبط بودن دلیل اشاره دارد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تعریف اخیر مواد ۲۶ تا ۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال آمریکا را برای نمونه آورده است، هرچند باید توجه داشت که مواد مذکور با عنوان «Discovery and Disclosure» آمده است. بنابراین لازم است به معنای لغت Disclosure نیز توجه شود.

در فرهنگ حقوقی Black مقابل واژه اخیر آمده است: «۱. اقدام یا فرآیند دانستن چیزی که ناشناخته بوده است؛ ۲. افشای اجباری اطلاعات برای رقیب وفق مقررات آئین دادرسی».

همانند مورد قبل آنچه به بحث افشای دلیل مربوط می‌شود، معنای دوم است و همانطور که ملاحظه می‌شود هر دو واژه در یک معنا به کار رفته‌اند، همچنان که در فرهنگ حقوقی مذکور در مقابل واژه Disclosure به لغت Discovery ارجاع داده شده است. بنابراین، باید گفت هر دو اصطلاح از حیث معنی و کارکرد در قانون آئین دادرسی فدرال یکسان و مترادف هستند.

حقوق دانان آمریکا نیز تعاریف نسبتاً مشابهی از افشای دلیل ارائه کرده‌اند که در زیر برخی از آنها بررسی می‌شود:

در یک تعریف از افشای دلیل آمده است: «افشای دلیل فرآیند تبادل اجباری اطلاعات بین طرفین دعوای حقوقی است».

همانطور که ملاحظه می‌شود در تعریف مذکور تنها طرفین دعوا ملزم به ارائه دلیل به نفع طرف مقابل شده‌اند؛ در حالی که افشای دلیل در بسیاری از موارد

قانون آئین دادرسی مدنی همچون دیگر قوانین، اهداف معینی را دنبال می‌کند که این اهداف با توجه به تفکر قانون‌گذار و همچنین مبنای قانون‌گذاری از مکتب خاصی نشئت می‌گیرد. درباره نظام حقوقی ایران و به تبع آن آئین دادرسی مدنی، به‌طور کلی می‌توان گفت از مکتب اسلام الهام گرفته است و اندیشه‌های فقهی در شکل‌گیری قواعد و اهداف آن دیده می‌شود. یکی از موضوعاتی که از دیرباز بین فقها مطرح بوده است، هدف دادرسی است. بدین شکل که هدف نهایی از قضاوت و دادرسی چیست؟ برخی از فقها معتقدند نظام قضایی اسلام هدف اصلی خود را تأمین حق و عدالت و رسیدن به حقیقت قرار داده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۰). از سوی دیگر، تعریف برخی از فقها از امر قضا در قالب فصل خصومت موجب بروز این دیدگاه شده است که هدف اصلی دادرسی فصل خصومت است نه کشف حقیقت (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴، ۲).

در حقوق آمریکا که بر مبنای سیستم اتهامی بنا شده است، نیز چنین اختلاف دیدگاهی وجود دارد. طبق یک نظر قاضی باید در نقش شخص بی‌طرف و منفعل نظاره‌گر فرآیند دادرسی باشد و ارائه دلیل بر عهده طرفین دعواست. قاضی تا پایان رقابت بین طرفین دعوا، حق هیچ‌گونه دخالتی ندارد و تنها در پایان اقدام به صدور رأی می‌کند. بنابراین، اختیار جست‌وجو برای کشف حقیقت ندارد. در مقابل، این دیدگاه وجود دارد که هدف نهایی دادرسی، رسیدن به حقیقت است و قاضی در این مسیر ضمن رعایت بی‌طرفی نقش‌آفرینی می‌کند و بر فرآیند رسیدگی و ارائه ادله نظارت می‌کند. در این کشور نیز تئوری‌های دوگانه کشف حقیقت و فصل خصومت مطرح است. قبل از بررسی نظریات مذکور، یادآور می‌شویم که

جدید در خصوص افشای دلیل گسترده و به‌نوعی آزادانه است و طرفین را ملزم می‌کند تقریباً همه چیزهایی را که در طی یک دادرسی به آن نیاز دارند، از قبل تهیه و ارائه کنند (والاس، ۲۰۲۱، ۷۷۷-۷۷۸). بند یک پاراگراف b ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی فدرال استاندارد گسترده‌ای را برای افشای دلیل تعیین می‌کند. در واقع هر موضوعی که مربوط به ادعا یا دفاع هر یک از طرفین باشد و به‌طور منطقی منجر به افشای ادله و شواهد قابل قبول در دادرسی شود، قاعدتاً قابل افشا و ارائه است و طرف دعوا یا شخص ثالث که ادله مربوطه را در اختیار دارد، به درخواست متقاضی ملزم به ارائه آن به‌نفع دیگری خواهد بود. حال باید دید مبنای الزام طرف دعوا یا شخص ثالث به ارائه دلیل به‌نفع دیگری چیست؟

۵-۲. مبانی افشای دلیل

در افشای دلیل طرف مقابل یا حتی گاه شخص ثالث ملزم می‌شود دلایلی را که مربوط به دعواست و در اختیار وی است، به‌نفع متقاضی ارائه دهد. این تکلیف به‌خصوص زمانی که به شخص ثالث تحمیل می‌شود، باید مبنا و توجیه مناسبی داشته باشد. پرسش اینست که وقتی شخص در ارائه دلیل ذی‌نفع نیست، بر مبنای چه ضرورتی مکلف می‌شود که به پیشبرد فرآیند دادرسی و ارائه دلیل کمک کند؟ در خصوص مبنا و چرایی تحمیل این تکلیف می‌توان مواردی مانند لزوم رعایت حسن نیت در دادرسی و دغدغه کشف حقیقت در قالب هدف نهایی دادرسی را مطرح و بررسی کرد.

۵-۲-۱. هدف دادرسی

هدف دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که می‌تواند توجیه‌کننده الزام شخص به افشای دلیل باشد. بدین معنا که اگر هدف دادرسی را کشف حقیقت بدانیم، در این صورت، قاضی دارای اختیارات گسترده‌تری است و الزام به افشای دلیل را می‌توان در راستای کشف حقیقت توجیه کرد (مکلور و ایمرمان، ۲۰۲۳، ۲۳۹-۲۴۰).

۵-۲-۱-۱. نظریه فصل خصومت

«فصل» در لغت به معنای «جدا کردن، خاتمه دادن به خصومت» و «مانع و حاجز میان دو چیز» و «خصومت» به معنای «دشمنی، پیکار، عداوت و نزاع» آمده است (عمید، ۱۳۶۴، ۸۶۴ و ۱۵۴۱). در اصطلاح حقوقی فصل خصومت به معنای پایان دادن به نزاع و اختلاف بین طرفین است؛ بدون آنکه ماده نزاع قلع شود. (مختاری، ۱۳۹۴، ۸۰). لازم به ذکر است که مقصود از فصل خصومت معنای فلسفی آن یعنی از بین رفتن واقعی نزاع و خصومت نیست؛ بلکه معنای عملی آن مد نظر است (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۹۲).

طبق این نظر هدف اصلی از قضاوت، فصل خصومت است؛ مگر اینکه به کشف حقیقت منجر نشود. ریشه این اندیشه را می‌باید در تعریف فقها از قضا ردیابی کرد. به نظر می‌رسد این گروه معنای اصطلاحی قضا را منبعت از معنای لغوی آن دانسته‌اند. بدین شکل که در بین معانی مختلف از قضاوت، مهم‌ترین آن یعنی فصل، قطع و حکم کردن را مورد توجه قرار داده‌اند. گویی حاکم با حکم خود بین دو طرف دعوی را فصل و نزاع را قطع می‌کند (حسینی، ۱۳۸۹، ۱۵۷). معنای اصطلاحی قضا نیز عبارت است از «فصل خصومت میان متخاصمین و حکم به ثبوت یا عدم ثبوت حق نسبت به دعوای مدعی» (خویی،

۱۳۹۲، ۸). یزدی در تکملة العروه الوثقی قضاوت را حکم کردن بین مردم در صورت وقوع اختلاف و منازعه و رفع خصومت بین آنان دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۴، ۲۱۲). تعریف قضا به فصل خصومت دست‌مایه کسانی است که قضای اسلامی را به بی‌توجهی به کشف حقیقت متهم می‌کنند و معتقدند هدف دادرسی فصل خصومت است؛ نه کشف حقیقت. از این نمونه‌ها چنین استفاده شده است که هدف قضای اسلامی فصل خصومت است و کشف حقیقت هدف اصلی دادرسی نیست. اما آیا واقعاً هدف اصلی دادرسی فصل خصومت است؟ در توضیح این نظر باید گفت صرف اینکه یکی از اهداف قضاوت را فصل خصومت بدانیم، ایجاد اشکال نمی‌کند؛ بلکه ایراد زمانی است که هدف اصلی دادرسی را فصل خصومت قرار دهیم. اگر یکی از کارکردهای قضا را فصل خصومت بدانیم؛ نه تنها ایرادی ندارد، صحیح و منطقی نیز است. زمانی که دعوایی در دادگاه مطرح می‌شود قاضی موظف است که در خصوص آن تصمیم‌گیری کند. در برخی موارد ادله استنادی طرفین کافی نیست و تحقیق دادگاه هم منجر به روشن شدن تمام ابعاد موضوع و در نهایت کشف حقیقت نمی‌شود. در این حالت قاضی بر مبنای وظیفه، مکلف به صدور حکم است؛ درحالی‌که وصول به واقع دشوار و حتی ناممکن است. در اینجا می‌توان کارکرد قضا را فصل خصومت دانست؛ آن‌هم نه در قالب هدف اصلی؛ بلکه به صورت هدف ثانویه دادرسی. به نظر می‌رسد ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی که به فصل خصومت اشاره دارد، بر همین مبنا تنظیم شده است. با این بیان که: «قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعوای رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند».

هدف دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که می‌تواند توجیه‌کننده الزام شخص به افشای دلیل باشد. بدین معنا که اگر هدف دادرسی را کشف حقیقت بدانیم، در این صورت، قاضی دارای اختیارات گسترده‌تری است و الزام به افشای دلیل را می‌توان در راستای کشف حقیقت توجیه کرد (مکلور و ایمرمان، ۲۰۲۳، ۲۳۹-۲۴۰).

طرفین و وکلای آنان انجام می‌شود و دادرسی، خنثی و منفعل است و هدف دادرسی فصل خصومت است؛ نه لزوماً کشف حقیقت (محسنی، ۱۳۸۶، ۹۲).

در نقد دیدگاه فصل خصومت باید اشاره کرد که سیستم اتهامی در نظام کامن‌لا، به‌خصوص حقوق آمریکا در طول زمان دچار تغییراتی شده است. این سیستم از آغاز قرن بیستم تحولاتی را پشت سر گذاشته است و قاضی به‌مرور نقش فعال‌تری در دادرسی ایفا کرده است. در واقع، نظام مذکور تا حدودی به سمت دادرسی تفتیشی پیش رفته است. هرچند به مقتضیات دادرسی اتهامی پایبند مانده‌اند. در راستای این تغییرات، دادرسی دو مرحله‌ای شده است که شامل مقاطع «پیش-محاکمه» و «محاکمه» است. در مقطع پیش‌محاکمه که به‌طور خلاصه مرحله جمع‌آوری ادله است، قاضی ضمن رعایت بی‌طرفی، بر نحوه طرح دعوا، حضور طرفین برای ارائه ادله و گفت‌وگو برای حل و فصل اختلافات، نظارت و کنترل دارد. طبق مقررات جدید آئین دادرسی مدنی این کشور قضات می‌توانند بدون اخلال به نظام دادرسی اتهامی، فرآیند دادرسی و جلسات دادگاه را کنترل کنند که چنین کنترلی احکام سریع، قاطع و منصفانه‌ای را برای طرفین، وکلا و شهود مقرر می‌کند. همچنین دادرسی را به شکل منظم و منسجم نگه می‌دارد و شواهد غیر ضروری را حذف و ممنوع می‌کند. در راستای این تغییرات و گسترش اختیارات قاضی بود که دیوان عالی ایالات متحده در سال ۱۹۶۶ طی حکمی اعلام کرد که هدف اصلی دادگاه کشف حقیقت است (فریدلند، ۲۰۱۴، ۱۰۲). بنابراین، با توجه به ایراداتی که به نظریه فصل خصومت وارد است، باید به دنبال نظریه

بنابراین، اگر مقصود طرفداران نظریه فصل خصومت این باشد که قاضی در کنار فصل منازعه و خصومت، به احقاق حق توجه می‌کند و به کشف حقیقت نائل می‌شود، نظری صواب و پسندیده است. همچنین، در جایی که راهی برای کشف حقیقت نیست، دادرسی موظف به صدور حکم بر طبق ادله موجود است. در اینجا قاضی در پی کشف حقیقت بوده است؛ اما چون رسیدن به آن را غیر ممکن دیده است، به ناچار اقدام به صدور حکم بر مبنای ظاهر ادله کرده است که تنها فاصل نزاع و خصومت است (محسنی، ۱۳۹۳، ۹۲). به نظر می‌رسد به لحاظ منطقی و عقلانی نیز پذیرفتنی نیست که هدف اصلی و اولیة دادرسی را فصل خصومت بدانیم؛ هیچ‌کس نمی‌پذیرد تا وقتی که امکان جست‌وجو و یافتن حقیقت وجود دارد، تن به حکم بر اساس شانس و قرعه دهد؛ زیرا اگر هدف از قضاوت تنها از بین بردن اختلاف و فصل خصومت به هر قیمتی باشد، باید بتوان با قرعه و پرتاب سکه نیز حکم قضیه را صادر کرد. عقل سلیم هم این موضوع را نمی‌پذیرد؛ زیرا صرف صدور رأی به معنای فصل خصومت و پایان اختلاف نیست. بدون احقاق حق ماده نزاع از بین نمی‌رود و رضایت طرفین دعوا تأمین نمی‌شود.

نظریه فصل خصومت در حقوق آمریکا نیز مورد توجه برخی قرار گرفته است و طرفداران این نظریه به دلیل اتهامی بودن این نظام قضایی قائل بر این دیدگاه هستند. در این سیستم، دادرسی بر اساس مدارک جمع‌آوری شده توسط طرفین تشکیل می‌شود و این فرآیند با حضور قاضی منفعل ادامه می‌یابد و دادگاه تصمیم خود را تنها بر مبنای ادله و استدلالات ارائه شده توسط طرفین دعوا اتخاذ می‌کند (لندزمن، ۱۸۹۳، ۷۱۴). در واقع هدایت دادرسی از سوی

دیگری بود که این دیدگاه با عنوان نظریه کشف حقیقت مطرح شده است.

۵-۲-۱-۲. نظریه کشف حقیقت

حقیقت در لغت به معنای «راستی»، «درستی» و «اصل هر چیز» آمده است. همچنین گفته‌اند: «حقیقت چیزی است که به طور قطع و یقین ثابت است». معادل انگلیسی واژه حقیقت، لغت Truth است که مفهومی شبیه تعاریف فوق دارد. در فرهنگ حقوقی Black مقابل واژه مذکور آمده است: «یک گزارش کاملاً دقیق از وقایع؛ واقعیت» (گارنر، ۲۰۰۰، ۱۶۵۷). حال باید دید کشف حقیقت در دادرسی به چه معنا است. به همین منظور، در ادامه نظریه کشف حقیقت در حقوق ایران و آمریکا را بررسی می‌کنیم.

۵-۲-۱-۲-۱-۲. نظریه کشف حقیقت در حقوق ایران

نقش قضایی یک نقش اجتماعی مهم با دامنه تأثیرات گسترده است. همچنان که گفته شده است، نقش قضا در جامعه دینی نمی‌تواند جدای از نقش دین در جامعه باشد. به همین دلیل دادرسی اسلامی بر مبنای شریعت و اعتماد به انسان‌های درست‌کار و مؤمن بنا نهاده شده است و هدف آن تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان‌هاست (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱۶). در آیات و روایات متعدد در قالب منابع دینی بر اجرای عدالت و احقاق حق و وصول به حقیقت تأکید شده است. علاوه بر قرآن کریم، در سنت ائمه نیز قضاوت و احقاق حق جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به خصوص قضاوت‌های حضرت علی (ع) که مهم‌ترین چهره نظام ساز برای قضای اسلامی است و قضاوت‌های ایشان شالوده و شاکله نظام قضایی اسلام را تشکیل

می‌دهد. در یکی از عهدنامه‌هایی که حضرت علی (ع) از پیامبر (ص) دریافت کرده است و عیناً به مالک اشتر ارسال کرده است، بر رعایت عدالت در فرآیند قضاوت برای احقاق حق و وصول تأکید شده است (قوامی، ۱۳۸۶، ۱۵۹). در جای دیگری می‌فرماید: «این حکومت را نمی‌خواهم مگر برای اینکه حقی را اقامه کنم یا باطل را دفن نمایم» (قوامی، ۱۳۸۶، ۱۵۹). از مجموعه آیات و روایات این‌گونه استنباط می‌شود که گسترش عدالت، احقاق حق، دفع باطل و فصل خصومت از اهداف قضای اسلامی است؛ اما آن چیزی که تأکید زیادی بر آن شده است، احقاق حق و اجرای عدالت است. در خصوص عدالت می‌توان گفت که عدالت راه احقاق حق است و احقاق حق مستلزم کشف حقیقت. در آیات قرآن کریم و روایات بر این دو مفهوم تأکید زیادی شده است.

در علم حقوق نیز بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند هدف مطلوب و نهایی هر دادرسی حق‌گزاری و وصول به حقیقت است؛ نه فصل خصومت. بنابراین بهتر است به جای طرف‌زنگ‌تر و کارآمدتر، صاحب حق در دعوا پیروز شود. البته قاضی نباید به بهانه کشف حقیقت، اصول دادرسی را نادیده بگیرد. برای مثال به تحقیق پنهانی دست زند یا دلایلی را که به آن می‌رسد در معرض گفت‌وگو و ایراد دو طرف قرار ندهد و اصل تناظر را از این حیث نقض کند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۴۶). اگرچه دادرسی همیشه باید بی‌طرف باشد؛ ولی در واقع طرفدار احقاق حق و عدالت است و جست‌وجوی حقیقت هسته اصلی فرآیند رسیدگی است (محسنی، ۱۳۹۳، ۵۲). هرچند «اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی» ارائه و اثبات جهات موضوعی را بر عهده اصحاب دعوا گذاشته است، قانون‌گذار این امکان را برای دادرسی فراهم

قانون وجود نخواهد داشت. زیرا یک قاعده حقوقی و یا قانون می‌باید از نظر قضایی و در عمل به وقایع و امور حقیقی اعمال شود و صحت هر گزاره‌ای در معرض آزمایش قرار گیرد تا از این طریق نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود و موجب پیشرفت کلی نظام حقوقی شود. همچنین، بدون یافته‌های قضایی از دعاوی و اموری که با حقیقت مطابقت دارد، شهروندان با گذشت زمان اعتماد به رسیدگی‌های قضایی در قالب محاکمه عادلانه، قابل اعتماد و ابزار مؤثر در حل اختلاف را از دست خواهند داد. به همین دلیل است که حقوق‌دانان آمریکا یافتن حقیقت در خاتمه دادرسی را در قالب هدف اصلی مورد توجه قرار داده‌اند؛ نه صرف فصل خصومت. در واقع یافته‌های حقوقی در فرآیندهای رسیدگی باید با واقعیت سازگار باشد و به کشف حقیقت منجر شود (سامرز، ۱۹۹۸، ۴۹۸-۴۹۹). در روبه قضایی این کشور نیز اندیشه کشف حقیقت پذیرفته شده است و سرآغاز این اندیشه در سال ۱۹۶۶ بود که در این سال دیوان عالی ایالات متحده در دعوی موسوم به *Thehan, sheriff V. United States Ex Rel. Shot* به صراحت اعلام کرد که هدف اصلی دادرسی کشف حقیقت است (فریدلند، ۲۰۱۴، ۱۰۲). این اندیشه در قوانین موضوعه این کشور نیز دیده می‌شود. همچنان که ماده ۱۰۲ قانون اثبات فدرال آمریکا هدف دادرسی را به صراحت کشف حقیقت می‌داند با این بیان که: «این قواعد باید به گونه‌ای تفسیر شود تا تمام رسیدگی‌ها منصفانه بوده، هزینه و اطاله غیر موجه را از بین ببرد و قوانین ادله اثبات را به منظور کشف حقیقت و اطمینان از یک تصمیم عادلانه به کار گیرد».

کرده است که به موازات اصل حاکمیت اصحاب دعوای مدنی، خود نیز متوسل به تحقیقات و اقدامات لازم برای کشف حقیقت شود. نمونه بارز این رویکرد ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م است: «در کلیه امور حقوقی دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا هر گونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد». در واقع قانون‌گذار با عبور از نظریه سنتی انجام دادرسی به منظور فصل خصومت، هدف را به سمت کشف حقیقت تغییر می‌دهد و با اعطای اختیار گسترده به دادرسی مدنی در کشف حقیقت، فصل خصومت را در قالب آخرین راه حل و در صورت عدم امکان وصول به واقع، جهت حل و فصل نزاع پذیرفته است (کریمی، ۱۳۹۱، ۱۶۵). در نتیجه، فصل خصومت هیچ‌گاه هدف نهایی دادرسی محسوب نمی‌شود.

۵-۲-۱-۲-۲- نظریه کشف حقیقت در حقوق آمریکا

گفته شد که دادرسی اتهامی در طول زمان دچار تحولاتی شده است. هرچند در رویکرد سنتی این نظام قضایی تا حدود زیادی منفعل بود؛ ولی امروزه نمی‌توان گفت که قاضی در قبال جریان دادرسی بی‌تفاوت و منفعل است. بسیاری از حقوق‌دانان آمریکایی معتقد هستند که وظیفه اصلی فرآیندهای قضایی و قواعد ادله اثبات دعوا در مسائل مورد اختلاف مطروحه نزد دادگاه یافتن حقیقت است و بدون یافتن اموری که با حقیقت مطابقت داشته باشد، نمی‌توان اهداف و هنجارهای اساسی این قانون را تحقق بخشید (سامرز، ۱۹۹۸، ۴۹۷). علاوه بر این، بدون دستیابی به آرای قضایی منطبق بر حقیقت، امکان سنجش، ارزیابی و در نهایت بهبود کارایی

ثالث یا طرف مقابل قرار دارد، به شخص مذکور دستور دهد که آن را ابراز کند(اشرف‌الکتابی، ۱۳۹۱، ۱۶۸).

بسیاری از قواعد اثبات فدرال به‌دنبال پیشبرد این احتمال هستند که نتیجه دادگاه با آنچه در واقعیت اتفاق افتاده است، مطابقت داشته باشد. به همین دلیل است که شاهد ملزم است تمام حقایق را بیان کند و برای این امر باید سوگند یاد کند. برحسب ماده ۶۰۳ قانون مذکور شاهد باید قبل از ادای شهادت، سوگند یاد کند که به‌درستی شهادت دهد. در همین راستا و برای تحصیل شهادت صادقانه این قانون متکی به مکانیسم «پرسش متقابل» است و شهادت دروغین در معرض تهدید به پی‌گرد قانونی قرار دارد و اگر مشخص شود شهادت نادرست بوده است، شاهد مجازات خواهد شد. برای کشف حقیقت است که سیستم پرسش متقابل از شاهد پیش‌بینی شده است و طرفین این حق را دارند که در چارچوب موضوع، سؤالات پرشماری از شاهد بپرسند تا واقعیت قضیه روشن شود. مطابق ماده ۶۱۱ «قانون اثبات فدرال» دادگاه بر فرآیند پرسش از شاهد و به‌طور کلی ارائه ادله نظارت دارد و یکی از اهداف این کنترل، دغدغه کشف حقیقت است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «دادگاه باید کنترل معقول و مناسبی نسبت به نحوه و ترتیب ادای شهادت شهود و ارائه سایر ادله اعمال نماید تا این روش‌ها را برای تعیین حقیقت مؤثر سازد، از اتلاف وقت خودداری شود و شاهد را از آزار و اذیت ناروا محافظت کند»(کلاین، ۲۰۱۶، ۱۱-۱۳).

همانطور که ملاحظه می‌شود، ارائه ادله و ارزیابی و سؤال از شهود می‌باید توسط دادگاه مورد نظارت و کنترل قرار گیرد تا به روشن شدن حقیقت منجر

این ماده هدف کلی قانون و تفسیر قابل اعمال نسبت به مقررات را شبیه ماده یک قانون آئین دادرسی مدنی ارائه می‌دهد. همچنان که قسمت دوم ماده ۱ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال تصریح می‌کند: «این قواعد باید به‌نحوی تفسیر، اجرا و به‌کار گرفته شود تا عدالت، سرعت و صرفه‌جویی در دعوا در فرآیند رسیدگی تأمین گردد». می‌توان گفت رعایت اصول دادرسی منصفانه، سرعت و صرفه‌جویی در دادرسی، هرچند اهمیت فراوان دارد، ولی زمانی سودمند است که به هدف کشف حقیقت انجام شود و منجر به تحقق این مهم شود. بنابراین، کشف حقیقت و اجرای عدالت اهداف رسمی رسیدگی دادگاه است که از تحقیقات اولیه تا مراحل نهایی رسیدگی باید مد نظر قرار گیرد(رازینگر، ۲۰۱۳، ۸۰۳). در واقع، تفسیر قوانین راجع به ادله اثبات باید به کیفیتی انجام شود که کاربرد قانون در راستای نیل به حقیقت باشد. در این نظام قضایی بر مبنای «تئوری حقیقت» هدف از دادرسی مدنی دستیابی به حقیقت است و اگر ثابت شود که شکست در دعوا ناشی از ناآگاهی خواننده به حقوق و ادله خود بوده است، باید برای جبران نابرابری موقعیت طرفین چاره‌ای اندیشید. در نتیجه می‌باید زمینه مجادله برابر میان طرفین فراهم باشد و «برابری توان دفاعی طرفین» تضمین شود(نئوبائر و فارادلا، ۲۰۲۱، ۲۹۷-۲۹۸).

در این سیستم دادرسی، قاضی ضمن رعایت اصل بی‌طرفی باید کنترل و اداره جریان دادرسی را در اختیار داشته باشد و دخالت به‌نفع حقیقت‌یابی را نباید به‌معنای نقض بی‌طرفی شمرد. اصل بی‌طرفی مانع از آن نیست که دادگاه در صورت حقانیت یکی از طرفین دعوا در خصوص ادله‌ای که به‌طور قطع نزد

باشند؛ به گونه‌ای که جریان دادرسی به صورت منصفانه ادامه یابد.

در حقوق آمریکا اصل حسن نیت در برخی قوانین تصریح شده است. برای نمونه قانون یک‌نواخت تجاری U.C.C بر رعایت اصل حسن نیت در قراردادها تأکید کرده است. قسمت C ماده ۱۰۳-۲ این قانون در تعریف حسن نیت بیان می‌دارد: «حسن نیت عبارت است از راستی و صداقت واقعی در رابطه با داد و ستد مربوط» (جعفرپور، ۱۳۸۴، ۱۵۱). سپس در ماده ۲۰۳-۱ همان قانون آمده است: «هر قرارداد یا تعهدی، تکلیف به حسن نیت را در مرحله اجرا و اعمال ضمانت اجراها بر طرفین تحمیل می‌نماید». در قانون آئین دادرسی مدنی فدرال آمریکا نیز رعایت اصل حسن نیت در دادرسی به-صراحت پیش‌بینی شده است که در این قسمت جلوه‌های اصل حسن نیت در قانون مذکور بررسی می‌شود.

۵-۲-۲-۱- جایگاه حسن نیت در مقررات

دادرسی مدنی آمریکا

در این قسمت مصادیق تکلیف به رعایت حسن نیت در مقررات آئین دادرسی مدنی فدرال آمریکا و رابطه این اصل با افشای دلیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۲-۱- لزوم رعایت حسن نیت در طرح

دعوا یا درخواست یا دفاعیات

تشکیل پرونده و تقدیم آن به دادگاه آغاز رسمی دعوی مدنی است. ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال در این خصوص مقرر می‌دارد: «با طرح دادخواست نزد دادگاه، دعوی مدنی آغاز می‌شود».

شود. در واقع دادگاه نه تنها باید در فرآیند دادرسی نقش فعالی داشته باشد؛ بلکه لازم است قوانین را به گونه‌ای به کار بگیرد تا نتیجه نهایی دادرسی، اجرای عدالت و احقاق حق باشد.

۵-۲-۲- رعایت اصل حسن نیت در دادرسی

«حسن نیت» مرکب از دو واژه «حسن» و «نیت» است. در فرهنگ فارسی واژه حسن به معنای «نیکویی، زیبایی و خوبی» و کلمه نیت به معنای «قصد، آهنگ، اراده، اندیشه» آمده است (معین، ۱۳۸۶، ۳۶۶). لذا حسن نیت را می‌توان اندیشظ نیکو یا معادل عبارت آشناتر پندار نیک دانست. متضاد حسن نیت اصطلاح «سوءنیت» است که در برخی مواد قانونی از آن نهی شده است. ماده ۳۰ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال آمریکا نمونه‌ای از این مقررات است.

معادل انگلیسی واژه حسن نیت که در حقوق آمریکا و انگلیس به کار می‌رود، اصطلاح Good Faith است. در فرهنگ حقوقی Black مقابل اصطلاح مذکور چنین آمده است: «درستی قصد، یک هدف صادقانه برای پرهیز از سوءاستفاده غیر قانونی از تکنیک‌های قانونی» (گارنر، ۲۰۰۰، ۸۲۲).

بر اساس این مفهوم، شخص ملزم است که در انجام اعمال و اقدامات حقوقی با درستی قصد و نیت صحیح وارد شود و در به کار بستن فنون و روش‌های قانونی نیز باید این موضوع را رعایت کند. بنابراین حتی اگر قواعد فنی را به گونه‌ای به کار گیرد که با سوءنیت و اضرار به دیگری همراه شود، خلاف قانون عمل کرده است. منظور از حسن نیت در دادرسی این است که تمام اشخاص دخیل در فرایند دادرسی باید در نیت و عمل صداقت داشته باشند و فاقد اراده متقلبانه

می‌تواند ضمانت اجرای مناسب را نسبت به وکیل یا شرکت حقوقی یا طرفی که قاعده را نقض نموده یا مسئول نقض قاعده به‌شمار می‌رود، اعمال کند. جز در موارد خاص و استثنایی، شرکت حقوقی مشترکاً با شریک، همکار یا کارمندی که مرتکب نقض قاعده شده است، مسئولیت خواهد داشت.» بند ۴ از قسمت C زیر عنوان «ماهیت ضمانت اجرا» اضافه کرده است: «ضمانت اجرایی که مطابق این ماده اعمال می‌گردد بایستی محدود به میزانی باشد که برای جلوگیری از تکرار این رفتار توسط مرتکب یا سایر افراد با موقعیت مشابه کافی باشد. ضمانت اجرای مزبور می‌تواند از قبیل دستورات غیر پولی باشد یا دستور پرداخت جریمه به دادگاه یا اینکه بنا به درخواست ذی‌نفع و به‌منظور جلوگیری از تکرار عمل، دستور به جبران تمام یا قسمتی از حق‌الوکاله و سایر هزینه‌هایی که مستقیماً از نقض قاعده حاصل شده است، داده شود.» در عین حال، قسمت d از ماد ۱۱ تصریح می‌کند که مقررات این ماده در خصوص درخواست‌ها، پاسخ‌ها و اعتراضاتی که بر مبنای مواد ۲۶ تا ۳۷ در خصوص افشای ادله مطرح می‌شوند، قابل اعمال نخواهد بود (ملینکوف، ۲۰۲۲، ۱۷۲-۱۷۴).

ماده ۱۱ در قالب الگویی برای مقابله با دعاوی واهی و توأم با سوءنیت است. طبق این ماده هرگاه وکیل دادخواستی را به نمایندگی از شخص دیگری مطرح می‌کند، باید این ادعا را به‌طور کامل بررسی کند و با قرار دادن امضای خود در ذیل دادخواست یا درخواست به‌نوعی این موارد را تأیید می‌کند. تمامی افراد باید در طرح دعوا یا دفاع با اطلاع کافی و حسن نیت اقدام کنند. در غیر این صورت، با مجازات‌هایی روبه‌رو خواهند شد. همچنان که ماده مذکور ضمانت اجرایی علیه وکلا و سایر افرادی که دعاوی واهی،

این دادخواست نشانگر آغاز روند دادرسی است. قانون آئین دادرسی مدنی فدرال بر همهٔ مراحل دادرسی حاکم است و ماده ۱۱ به‌طور خاص موضوع چگونگی آغاز یک دعوی مدنی را بررسی می‌کند. ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال زیر عنوان «امضای لوایح، دادخواست‌ها و سایر اوراق؛ نمایندگی در نزد دادگاه و ضمانت اجراها» تنظیم شده است و بند b از ماده مذکور مقرر می‌دارد: «نمایندگی در نزد دادگاه: طرف دعوا یا وکیل او با تقدیم لایحه، درخواست کتبی یا اوراق دیگر به دادگاه اعم از اینکه آن را امضا یا ارائه یا ثبت نموده یا وکالت در آن را به‌عهده گرفته باشد، تا حد میزان دانش، اطلاعات و اعتقاد خویش که پس از یک بررسی معقول شکل گرفته است، موارد ذیل را تصدیق می‌کند: ۱. اقدام وی با یک مقصود ناصحیح (انگیزهٔ سوء) از قبیل ایذای طرف، ایجاد تأخیر غیر ضروری یا افزایش بی‌مورد هزینه‌های دادرسی صورت نگرفته است. ۲. ادعاها، دفاعیات و سایر ملاحظات حقوقی مطروحه مورد حمایت یک قانون معتبر یا مستظهر به استدلالی موجه هستند که برای توسعه یا اصلاح یا حذف یک قانون موجود یا وضع قانونی جدید مطرح شده است. ۳. امور موضوعی مطروحه متکی به دلیل هستند یا در صورت اعلام به‌طور خاص، پس از اعطای یک فرصت معقول برای تحقیقات بیشتر یا افشای دلیل، قابل اثبات خواهند بود. ۴. انکار امور موضوعی متکی به دلیل است یا در صورت اعلام به‌طور خاص، به‌نحو معقولی مبتنی بر اعتقاد یا بی‌اطلاعی اوست.» بند C از مادهٔ مزبور زیر عنوان «ضمانت اجرا» مقرر می‌دارد: «اگر پس از دادن اخطار و اعطای یک فرصت معقول برای پاسخ‌گویی، دادگاه تشخیص دهد که قاعدهٔ مندرج در بند b ماده ۱۱ نقض شده است،

۵-۲-۲-۱-۲- مشارکت با حسن نیت در جلسه

مقدماتی و برنامه‌ریزی برای تبادل دلایل

طرفین دعوا باید از روی حسن نیت و صداقت با قاضی همکاری کنند تا اختلاف به سرعت و در مدت متعارف فیصله یابد. هرچند طرفین رقیب در بیرون از دادگاه ممکن است روابط حسنه‌ای با یکدیگر نداشته باشند و با میل و رغبت با یکدیگر همکاری نکنند. بنابراین با پیش‌بینی راه‌های قانونی و اعمال ضمانت‌اجراهای مناسب می‌توان از تقلب و نبود صداقت طرفین پیش‌گیری کرد (رستمی، ۱۳۹۵، ۱۲۶). در قانون آئین دادرسی مدنی فدرال طرفین ملزم هستند که در مرحله پیش‌محاکمه با یکدیگر همکاری داشته باشند. همچنان که طبق پاراگراف f ماده ۲۶ طرفین دعوی مدنی باید در جلسه مذاکره شرکت کنند و طرحی را برای تبادل و افشای اطلاعات ترتیب دهند. پس از تهیه طرح مذکور، طرفین می‌باید در جلسه دادگاه حضور یابند. جلسه‌ای که بین طرفین و قاضی برای شناسایی مسائل مورد اختلاف و توافق درباره امور غیر نزاعی و همچنین تشویق آنان به مصالحه تشکیل می‌شود. این ماده به قاضی اجازه می‌دهد تا به وکلا دستور دهد تا در جلسه مرحله پیش‌محاکمه حضور یابند و درباره بررسی موضوعات و محدود کردن مسائل اختلافی و همچنین تعداد شهود و تبادل ادله بحث و گفت‌وگو کنند (شیندلین، ۲۰۰۹، ۱۰۹-۱۱۰).

به نظر می‌رسد حسب پاراگراف f ماده مذکور طرفین دعوا یا وکلای آنان باید در جلسه برنامه‌ریزی و یا سایر جلسات لازم با حسن نیت شرکت کنند و طبق برنامه تعیین شده اقدام کنند. چنانچه در این مرحله شرکت نکنند یا اینکه شرکت کنند و حسن نیت نداشته باشند، مشمول ضمانت‌اجراهای مقرر در ماده

آزاردهنده یا بی‌اساس اقامه می‌کنند، وضع کرده است که این ضمانت اجراها از جمله شامل پرداخت هزینه‌های دادرسی و خسارات طرف مقابل است. ماده مذکور بیانگر این موضوع است که نمایندگان و وکلای دادگستری در مقابل دادگاه موظف هستند که از رفتارهای مغایر با اهداف مذکور در ماده یک قانون آئین دادرسی مدنی پرهیز کنند (یزل، ۲۰۱۸، ۵۵). در واقع وکلا موظف‌اند که تمامی دعاوی را با حسن نیت اقامه کنند. حتی مواردی وجود داشته است که وکیل به دلیل نقض شدید حسن نیت از شغل وکالت منفصل شده است.

اگر مشخص شود که امور موضوعی ارائه شده توسط وکیل غیر واقعی بوده است با ضمانت اجرا مواجه می‌شود. نیز، دعاوی واهی که تنها دفتر اوقات دادگاه را پر می‌کند، با ضمانت اجرا روبه‌رو و مردود اعلام می‌شوند. ماده ۱۱ بر مسئولیت وکلا در خصوص امضا و تنظیم دادخواست، درخواست و سایر اوراق معطوف است که با امضای وی محقق می‌شود. امضا مبین این موضوع است که وکیل دادخواست یا درخواست را مطالعه کند و آن را با بهترین دانش، اطلاعات و عقیده خود که پس از تحقیق مناسب و منطقی شکل گرفته است، امضا کند و بدین وسیله تصدیق می‌کند که دعوا یا درخواست مطروحه منطبق با قانون و بر مبنای حسن نیت بوده است و هیچ‌گونه اهداف سوء و نامناسبی را دنبال نمی‌کند (ویل، ۲۰۱۲، ۸). دادگاه فدرال می‌تواند دعوایی را که برخلاف حسن نیت بوده است یا بر طبق قوانین موضوعه بی‌پایه و اساس باشد رد کند. ماده ۱۱ می‌تواند در قالب ابزار بسیار مؤثری برای منصرف کردن اشخاص از طرح دعاوی متقلبانه و مبتنی بر سوءنیت مورد استفاده قرار گیرد.

صورت پذیرش درخواست افشای اجباری ادله، دادگاه طرف مقصر یا وکیل او و یا هر دو را پس از اعطای فرصتی برای استماع شدن، به پرداخت هزینه‌های معقول متقاضی در خصوص تقاضای افشای اجباری ادله (از جمله حق الوکاله وکیل) الزام خواهد کرد. الزام مذکور منتفی خواهد بود اگر معلوم شود که متقاضی قبل از طرح درخواست تلاشی مبتنی بر حسن نیت برای تقاضای افشای دلیل از طرف مقابل نکرده است یا اینکه امتناع طرف مقابل از افشای دلیل موجه بوده است و یا بنا به دلایل دیگر، حکم به جبران هزینه‌ها غیرمنصفانه است. برعکس، اگر درخواست مردود اعلام شود، دادگاه پس از اعطای فرصت دفاع به متقاضی، وی یا وکیل او یا هر دو را به جبران هزینه‌های معقول طرف برای مقابله با این درخواست (از جمله حق الوکاله وکیل) الزام خواهد کرد. البته این الزام نیز منتفی خواهد شد اگر دادگاه تشخیص دهد که درخواست افشای اجباری دلیل اساساً موجه بوده است یا اینکه برحسب اوضاع و احوال، صدور حکم به جبران هزینه‌ها غیر منصفانه است. چنانچه درخواست افشای اجباری ادله از روی حسن نیت نباشد و برای مثال متقاضی در جلسه مذاکره با سوء- نیت شرکت کرده باشد یا اینکه مشخص شود هدف وی از درخواست افشای دلیل آزار و اذیت طرف مقابل است، حتی در صورت قصور شخص اخیر در ارائه دلایل نامبرده مسئولیتی ندارد و با ضمانت اجرایی مواجه نخواهد شد (بیوان، ۲۰۰۸، ۱۸۶). دلیل این است که متقاضی افشا می‌باید دلیل موجهی برای درخواست خود داشته باشد و از روی حسن نیت تقاضای افشای ادله را مطرح کند. در غیر این صورت و با وجود قصور طرف مقابل، دادگاه پس از استماع

۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی خواهند شد. برای یک استراتژی پاراگراف f ماده ۲۶ به طرفین این فرصت را می‌دهد تا بتوانند خود را برای جلسه پیش از محاکمه آماده کنند و به دادگاه نشان دهند که تلاش خود را کرده‌اند و با حسن نیت سعی در انجام این مراحل داشته‌اند و در نتیجه، شایسته اعتماد دادگاه هستند. ذیل قسمت ۱ پاراگراف f ماده ۱۶ درباره قصور در ارائه طرح افشای دلیل مقرر شده است: «اگر یکی از طرفین یا وکیل وی در جلسه مقدماتی حضور نیافته یا با حسن نیت در تدوین طرح افشای پیشنهادی مطابق پاراگراف f ماده ۲۶ همکاری ننماید، دادگاه می‌تواند پس از اعطای فرصت استماع شدن به وی، طرف مزبور یا وکیل وی یا هر دو را به پرداخت هزینه‌های معقول از جمله حق الوکاله وکیل به طرف مقابل الزام نماید».

۵-۲-۲-۱-۳- امکان درخواست افشای اجباری دلیل در صورت همکاری نکردن صادقانه طرف مقابل

مطابق بند ۱ پاراگراف a ماده ۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال، هر یک از طرفین دعوا با ابلاغ به طرف دیگر و همه افرادی که ممکن است زیر تأثیر واقع شوند، می‌تواند صدور دستور افشای اجباری دلیل را تقاضا کند. درخواست باید متضمن تصدیق این نکته باشد که متقاضی با حسن نیت از طرف مقابل درخواست افشای دلیل کرده است؛ ولی به لحاظ قصور طرف، موفق به تحصیل نتیجه مذکور بدون مداخله دادگاه نشده است. باید توجه داشت که هر دو طرف ملزم به رعایت حسن نیت هستند. در واقع نه- تنها شخص ملزم به افشا، بلکه متقاضی افشای دلیل نیز باید مقتضیات حسن نیت را رعایت کنند. در

اصل از برخی مواد قانون آئین دادرسی قابل استنباط است:

طرح دعوای واهی یکی از موارد نقض حسن نیت است. قانون‌گذار به منظور پیش‌گیری از تحمیل ضرر ناروای ناشی از دعوای واهی بر خواننده دعوا، ضمن پیش‌بینی امکان توسل به ایراد تأمین دعوای واهی در ماده ۱۰۹، به موجب تبصره همان ماده مقرر می‌دارد: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا تأخیر در انجام تعهد یا ایدای طرف یا غرض ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن حکم یا قرار خواهان را به تأدیة سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید». بدین ترتیب، یکی از راه-کارهای مناسب برای تثبیت لزوم رعایت حسن نیت در دادرسی و پیش‌گیری از اعمال متقلبانه و اقدامات مغرضانه اشخاص، ممانعت از ورود دعوای نادرست و متقلبانه به مرحله دادرسی است (حسینی، ۱۳۸۹، ۱۵۷-۱۵۹).

تفکیک دعوای مرتبط و یا طاری از دعوای اصلی که خارج از ضابطه و با هدف ناصحیح اقامه شده باشد، یکی دیگر از راه‌های کنترل اقدامات اشخاص بر مبنای ضابطه حسن نیت و پیش‌گیری از سوءاستفاده از حقوق و اعمال دادرسی با اندیشه ناصواب و متقلبانه است. ممکن است برخی افراد با ادغام دعوای و پیچیده کردن پرونده، اهداف سوئی از قبیل اطالة دادرسی، ایدای طرف، ایجاد انحراف در دادرسی و ... را دنبال کنند. بنابراین، ضروری است تا بر شرایط تجمیع دعوای نظارت و کنترل مناسب به عمل آید و عندالاقضا تجزیه و تفکیک در دعوای یا خواسته‌ها صورت گیرد (دهقانی، ۱۳۹۵، ۱۴۳). ماده ۱۳۳ قانون آئین دادرسی مدنی درباره تفکیک دعوای اصلی و ورود ثالث در جایی که وارد ثالث با اقامه دعوی ورود

شخص مستنکف ضمانت اجرایی علیه وی اعمال نخواهد کرد (کوهن و لندر، ۲۰۲۱، ۲۱۴-۲۱۵).

این مسئله در خصوص درخواست ادای شهادت در قالب یکی از طرق افشای دلیل نیز پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۳۰ قانون آئین دادرسی مدنی فدرال، شخصی که مایل است از شهادت در قالب یک دستور افشا استفاده کند و اقدام به طرح پرسش متقابل کند، باید با اخطار معقولی به طرف دیگر دعوا این موضوع را اطلاع دهد. اگر در حین ادای شهادت مشخص شود که متقاضی سوءنیت دارد یا موجب آزار و اذیت و شرمندگی غیر منطقی شاهد یا طرف مقابل شود، در این صورت شاهد یا طرف دعوا می‌توانند اتمام شهادت یا محدودیت آن را درخواست کنند. این موضوع در بند ۳ پاراگراف b ماده ۳۰ پیش‌بینی شده است و بیانگر آن است که اگر شاهد یا طرف دعوا نشان دهند که سؤال‌کننده حسن نیت ندارد، می‌توانند به این موضوع اعتراض کنند. در این صورت، قاضی پرونده می‌تواند به افسر مجری جلسه استماع شهادت دستور دهد که دامنه و روش سؤالات را تغییر دهد.

۵-۲-۲- جایگاه حسن نیت در مقررات دادرسی مدنی ایران

رعایت حسن نیت و صداقت در انجام اعمال دادرسی و اقدامات قضایی از اهمیت فراوانی برخوردار است و تمامی اشخاص درگیر در فرآیند دادرسی ملزم به رعایت حسن نیت هستند. برخلاف اهمیت اساسی اصل حسن نیت، قانون آئین دادرسی مدنی ایران به-صراحت به این موضوع توجه نکرده است. با این حال، در موادی از قانون مزبور توجه قانون‌گذار به اصل حسن نیت محسوس بوده است و لزوم رعایت این

در مقررات آدین دادرسی مدنی ایران پیش‌بینی نشده است؛ اما می‌توان از برخی مواد این قانون لزوم رعایت اصل حسن نیت را استنباط کرد. یکی از تکالیفی که بر لزوم رعایت اصل حسن نیت مبتنی است؛ همکاری در ارائه دلیلی است که شخص در اختیار دارد. در واقع می‌توان گفت لزوم رعایت حسن نیت در دادرسی ایجاب می‌کند شخص دلیلی را که در مالکیت، کنترل یا تصرف خویش دارد، ارائه و افشا کند. قصور در افشا نیز ممکن است با ضمانت اجراهای خاص و محدودی مواجه شود. بنابراین می‌توان ادعا کرد که حسن نیت در قالب یکی از مبانی تکلیف به افشای دلیل در روح برخی از مقررات پراکنده دادرسی مدنی منتشر است؛ ولی برخلاف دادرسی مدنی آمریکا، ضمانت اجرای کافی و مؤثر برای تضمین رعایت حسن نیت در دادرسی مدنی ایران وجود ندارد که تصویب مقررات صریح و تفصیلی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

۶. نتیجه‌گیری

در دادرسی مدنی ارائه دلیل بر عهده مدعی است. با وجود این، در قالب مکانیسم افشای دلیل و بنا به درخواست یکی از طرفین دعوا، طرف مقابل یا شخص ثالث ملزم می‌شود ادله و اطلاعات مرتبط به دعوا را که در مالکیت، تصرف یا کنترل خویش دارد، به‌نفع متقاضی ارائه دهد. بر اساس مقررات قانون آئین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، نه‌تنها طرفین دعوا، بلکه اشخاص ثالث نیز مکلف هستند که در فرآیند افشا و ارائه دلیل مشارکت کنند و برای کشف حقیقت همکاری کنند؛ زیرا به تعبیر دیوان عالی این کشور، هدف اصلی دادرسی کشف حقیقت است. تکلیف به افشای دلیل به‌خصوص در جایی که بر ثالث تحمیل

قصد اطالظ دادرسی یا تبانی با یکی از طرفین را داشته است، بیان می‌دارد: «هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوی ثالث به‌منظور تبانی یا تأخیر رسیدگی است، دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده، به هر یک جداگانه رسیدگی می‌نماید». همین ترتیب در قسمت ذیل ماده ۱۳۹ راجع به دعوی جلب ثالث نیز مقرر شده است.

طرفین دعوا در جریان دادرسی باید در ابراز اسناد و مدارک مرتبط با دعوا همکاری کنند. خودداری از ابراز سند با وجود اعتراف شخص به وجود آن در نزد خود نه‌تنها مغایر با اصل حسن نیت است؛ بلکه دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائن مثبت‌ه علیه شخص متصرف بداند (ماده ۲۰۹). خودداری تاجر از ابراز دفاتر تجاری وی که مورد درخواست طرف مقابل واقع شده است، می‌تواند از جمله قرائن مثبت‌ه به‌نفع طرف مقابل باشد و خودداری شخص ثالث (از نوع اشخاص حقوقی حقوق عمومی) از ابراز اسناد و اطلاعات مربوط به دعوا می‌تواند به انفصال موقت مقام مسئول منتهی شود (مواد ۲۱۰ و ۲۱۲). از بین بردن اسناد و مدارک و یا مکتوم کردن آن‌ها امری خلاف حسن نیت است که این موضوع در بند ۷ ماده ۴۲۶ قانون آئین دادرسی از جهات اعاده دادرسی شمرده شده است. به این شکل که اگر پس از صدور حکم اسناد و مدارکی به‌دست آید که دلیل حقانیت درخواست‌کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یادشده در جریان دادرسی مکتوم بوده است و در اختیار متقاضی نبوده است، در این صورت یکی از جهات اعاده دادرسی محقق خواهد بود.

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان گفت هرچند لزوم رعایت حسن نیت در قالب یک قاعده کلی به‌صراحت

قانون آئین دادرسی مدنی به موضوع افشای ادله اختصاص داده شود و مواردی مانند تکلیف به افشای دلیل، طرق افشای دلیل، محدوده افشای دلیل و در نهایت، ضمانت اجراهای تکلیف به افشای دلیل تبیین شود.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری کردند تقدیر و تشکر می‌کنیم.

۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

شود، نیاز به مبنا و توجیه مناسبی دارد که ضرورت دستیابی به حقیقت و لزوم رعایت حسن نیت، می‌توانند در قالب مبانی اصلی این تکلیف به‌شمار روند. قانون اثبات فدرال آمریکا نیز تأکید کرده است که قواعد اثبات باید به‌گونه‌ای تفسیر و اعمال شوند که به رسیدگی منصفانه و پرهیز از هزینه‌های غیر ضروری و اطالۀ غیر موجه منتهی شود و قوانین ادله اثبات را به‌منظور کشف حقیقت و اطمینان از اتخاذ تصمیم عادلانه به‌کار گیرد.

در قانون آئین دادرسی مدنی ایران باب مستقلی به مبحث افشای ادله اختصاص داده نشده است و تنها به‌صورت موردی، مصادیقی از تکلیف به همکاری در افشای دلیل را می‌توان ملاحظه کرد. برای مثال، مقررات مواد ۲۰۹، ۲۱۰ و ۲۱۲ در زمینه تکلیف به ابراز اسناد و اطلاعات مربوط به دعوا از این حیث قابل توجه به‌نظر می‌رسند. با وجود این، می‌توان ادعا کرد که مبانی اصلی تکلیف به افشای دلیل مشتمل بر لزوم رعایت حسن نیت در دادرسی و دغدغه کشف حقیقت تا حدودی در مقررات دادرسی مدنی ایران و مبانی فقهی آن مورد توجه بوده است. مفاد ماده ۱۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی و تحولات مربوط به سلف این ماده در قوانین سابق نشان از تحول نقش دادرس از حالت انفعالی و خنثی به حالت فعال و پویا دارد که اغلب در راستای اداره جریان دادرسی مدنی با هدف نیل به حقیقت صورت پذیرفته است. باید اذعان داشت چه از حیث نحوه افشای دلیل و چه از حیث ضمانت اجرا، ابزارهای کافی در قانون آئین دادرسی مدنی ایران وجود ندارد و شایسته است باب مستقلی به این موضوع اختصاص داده شود تا به‌صورت دقیق ابعاد مختلف تکلیف به افشای دلیل سازمان‌دهی شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود مبحث مستقلی در

منابع

منابع فارسی

- کریمی، عباس، مختاری، رحیم، تقی‌زاده، ابراهیم، «مطالعه تطبیقی اثر ارزیابی ادله مدنی بر دادرسی در فقه و حقوق موضوعه»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره شانزدهم، شماره چهارم، ۱۳۹۱.
- محسنی، حسن، «نظام‌های دادرسی مدنی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره سی‌وهفتم، شماره اول، ۱۳۸۶.
- محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، بخش قضایی (۳)، تهران، نشر علوم اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- مختاری، رحیم، ارزیابی قضایی ادله اثبات دعوی، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، یک جلدی، تهران، زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- مولودی، محمد، رسول فراهانی، «بررسی تطبیقی افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی در ادله اثبات دعوی در حقوق آمریکا، انگلیس و ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره نوزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۴.
- نجفی، محمدحسین، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد هفتم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.

منابع انگلیسی

- Bevan, Neal. R, civil law and litigation for Paralegal, Philadelphia, bWolters Kluwer, 2008.
- Friedland, Martin. L, "Searching for Truth in the Criminal Justice System, Word Count", Carswell, Vol.15, 2014.

- اشرف‌الکتابی، آویشا، مطالعه تطبیقی ابراز اجباری دلیل در دادرسی مدنی ایران، تهران، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- جعفرپور، کوروش، «حسن نیت در تجارت بین الملل»، مجله دانش‌نامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره سوم، ۱۳۸۴.
- حسینی، سیدمحمد، «کشف حقیقت یا فصل خصومت، کارکرد قضا»، فصلنامه علوم اسلامی، سال پنجم، شماره نوزدهم، ۱۳۸۹.
- خویی، سیدابوالقاسم، مبانی تکمله‌المنهاج، جلد اول، ترجمه علیرضا سعید، تهران، خرسندی، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.
- دهقانی، حسین، «حسن نیت در دادرسی مدنی»، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۵.
- رستمی چلکاسری، عبدالله، بازیار، متین، «نظریه همکاری طرفین دعوی و دادرسی در حل و فصل اختلافات»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره اول، ۱۳۹۵.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، تکمله العروه - الوثقی، جلد اول، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۴ ق.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۴.
- قوامی، سید صمصام الدین، «نظام قضایی امیرالمومنین(ع)»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره هجدهم، ۱۳۸۶.
- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، تهران، میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۰.

Philadelphia, Wolters Kulwer Publishing, 2018.

- Cohen, Adam I., Lender, David J. Electronic Discovery: Law and Practice, London, Aspen - Publishers, 2021.
- Garner, Bryan. A, "Black's Law Dictionary, Stavanger, WeST Group, 2000.
- Klein, Kenneth. S, "Truth and Legitimacy (In Court)", Loyola University Chicago Law Journal, Vol.48, 2016.
- Landsman, Stephan, "Brief Survey of Development of the Adversary System", Ohio State Law Journal, vol.44, 1893.
- McClure, Thomas E., Eimermann, Thomas E., Fundamentals of Criminal Law and Procedure for Paralegals, London, ASPEN Publishing, 2023.
- Mellinkoff, David, Mellinkoff's Dictionary of American Legal Usage, London, WipfandStock, 2022.
- Neubauer, David W., Fradella, Henry F. America's Courts and the Criminal Justice System, London, CengageBrain, 2021.
- Oakley, Jhon.B, Amar, Vikram.D, American Civil Procedure: A Guide to Civil Litigation U.S Courts, Philadelphia, Kluwer Law International, 2009.
- Risinger, Michael, "Searching for Truth in the American Law Evidence and Proof", Georgia Law Review, Vol.47, 2013.
- Scheindlin, shira. A, Electronic discovery and digital evidence, Saint Paul, west academic Publishing, 2009.
- Summers, Roberts, Formal Legal Truth and Substantive Truth in Judicial Fact-Finding. Their Justified Divergence in Same Particular Cases, New York, Cornell Law Faculty publication, 1998.
- Vail, Andrew.w, Derosa, Colleen.G, Illinois Civil Practice Guide, Chicago, Jenner & Block publishing, 2012.
- Wallace, Cynthia Day, The Multinational Enterprise and Legal Control: Host State Sovereignty, Philadelphia, Wolters Kulwer Publishing, 2021.
- Yeazell, Stephen.C, Schwatz, Joanna.C, Federal Rules of Civil Procedure,